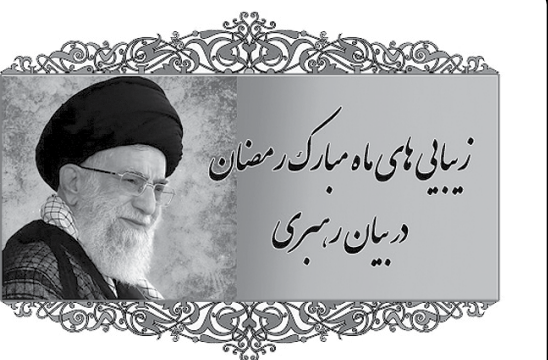




رمضان؛ ماه فرصت‌ها

دیگر فرا رسید. از قبل از شروع ماه مبارک، پیامبر معظم اسلام(ص)مردم را آماده می‌فرمود برای ورود در این عرصه خطیر و والا و پربرکت:
قد اقبل الیکم شهرالله بالبرکة و الزحمة (امالی صدوق، ص ۹۳).
در خطبه روز جمعه آخر ماه شعبان، بنا به روایتی این‌طور فرمود که ماه رمضان فرا رسید. اگر بخواهیم در یک جمله ماه رمضان را تعریف کنیم، باید عرض کنیم ماه فرصت‌ها، فرصت‌های فراوانی در این ماه در برابر من و شماست. اگر از این فرصت‌ها بتوانیم درست استفاده کنیم، یک ذخیره عظیم و بسیار ارزشمندی در اختیار ما خواهد بود.

در همین خطبه‌ای که اشاره شد، رسول مکرم فرمودند: شهر دعیتم فیه الی ضیافة الله؛ این یک ماهی است که شما در این ماه دعوت شده‌اید به میهمانی الهی. خود این جمله درخور تدبّر و تأمل است؛ دعوت به میهمانی الهی، اجبار نکردند که همه افراد از این میهمانی استفاده کنند؛ نه، فریضه قرار داده‌اند، اما تحت اختیار خود ماست که از این میهمانی استفاده نکنیم یا نکنیم. بعضی هستند که در این میهمانی غلیم اصلاً فرصت این را پیدا نمی کنند که به این دعوتنامه توجه کنند. غفلت آنها، فرورفتگی آنها در کار مادیّت و دنیاوی مادی بقدری است که آمدن و رفتن ماه رمضان را نمی‌فهمند. مثل همین که کسی را برای یک میهمانی بسیار باشکوه و پرخیر و برکتی دعوت کنند و او فرصت نکند؛ غفلت کند از اینکه کارت دعوت را حتی نگاه کند. اینها که دستشان به کلی خالی می‌ماند. بعضی می‌فهمند این میهمانی هست، اما به این میهمانی نمی‌روند. کسانی که خدای متعال به آنها لطف نکرده است و توفیق نداده که با اینکه عذری ندارند، روزه را نمی‌گیرند یا از تلاوت قرآن یا از دعاهای ماه رمضان محروم می‌مانند، آنها همین افراد هستند. کسانی هستند که وارد این میهمانی نمی‌شوند، نمی‌آیند به این میهمانی؛ حساب اینها روشن است. جمع کثیری از مردم مسلمان –امثال ما –وارد این میهمانی می‌شویم، اما بهره ما از این میهمانی به یک اندازه نیست؛ بعضی‌ها بیشترین بهره را از این فرصت می‌برند.

برکات معنوی ضیافت الهی رمضان

ریاضتی که در میهمانی این ماه وجود دارد – که ریاضت روزه و گرسنگی کشیدن است –شاید بزرگ‌ترین دستاورد این ضیافت الهی است. برکاتی که روزه برای انسان دارد، به قدری این برکات از لحاظ معنوی و ایجاد نورانیت در دل انسان زیاد است که شاید بشود گفت بزرگ‌ترین برکات این ماه همین روزه است. روزه را بعضی می‌گیرند؛ پس اینها وارد ضیافت شده‌اند و بهره از این ضیافت را هم گرفته‌اند. لیکن علاوه بر روزه گرفتن – که ریاضت معنوی این ماه مبارک است – اینها آموزش خود را هم از قرآن در حد ادعای تأمین می‌کنند؛ تلاوت قرآن با تدبّر، با حالت روزه‌داری یا حالت نورانیت ناشی از روزه‌داری، در شبها و نیمه‌شب‌ها تلاوت قرآن، انس با قرآن، مخاطب خدا قرار گرفتن، لذّت دیگری و معنای دیگری دارد. چیزی که انسان در چنین تلاوتی از قرآن فرا می‌گیرد، در حال متعارف و معمول نمی تواند به چنین تلاوتی دسترسی پیدا کند؛ آنها از این هم بهره می‌برند. علاوه بر اینها، از مکالمه با خدای متعال و مخاطبه با خدا، راز و نیاز کردن، دل خود را و اسرار درون خود را برای خدا به زبان آوردن هم بهره‌برداری می‌کنند؛ یعنی همین دعاها، این دعای ابی‌مزه ثمالی، این دعاهای روزه‌ها، این دعاهای شبها و سحرها، اینها حرف زدن با خداست، خواستن از خداست، نزدیک کردن دل به ساحت حریم عزّت الهی است؛ از این هم بهره می‌برند. بنابراین در این میهمانی، از همه دستاوردهای آن بهره می‌برند.

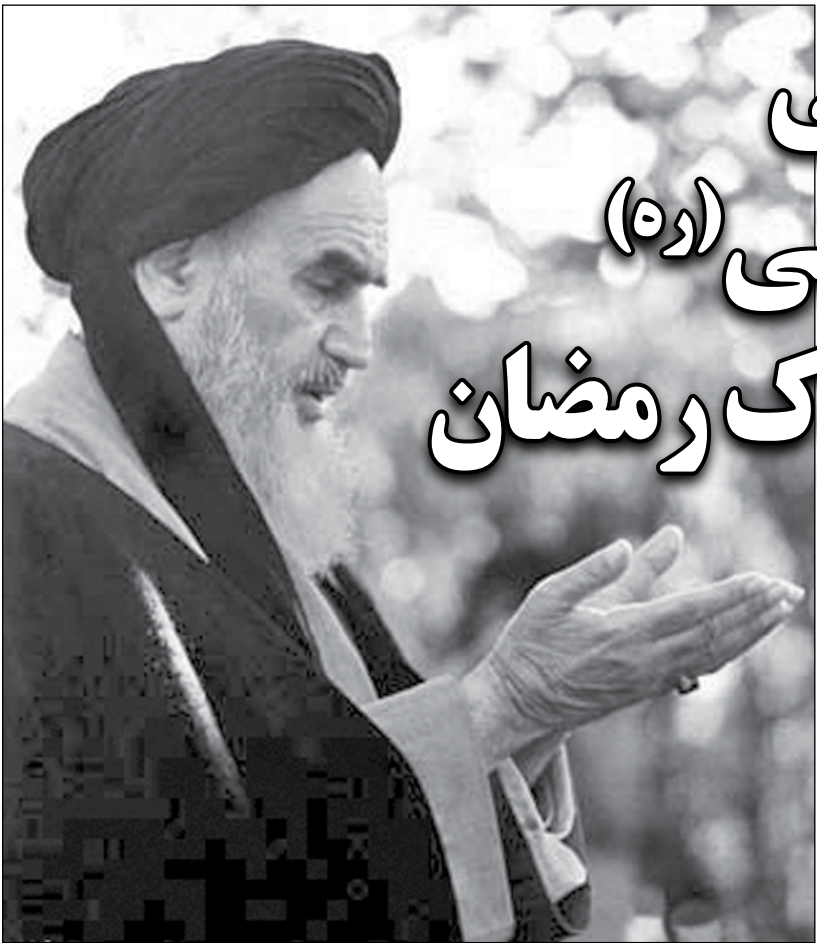
از اینها مقدّم‌تر، شاید به جهتی بالاتر از اینها، ترک گناهان است؛ در این ماه گناه هم نمی‌کنند. در همان روایت خطبه پیامبر اعظم(ص)، امیرالمؤمنین(ع) از پیغمبر سؤال می‌کند که در این ماه کدام عمل بافضیلت‌تر است. در جواب می‌فرمایند: الورع عن محارم الله. اجتناب از گناهان و از محارم الهی؛ بر کارهای اثباتی و ایجابی مقدّم است، جلوگیری از الودگی و زنگار روح و دل است. این افراد از گناه هم اجتناب می‌کنند. پس هم روزه‌داری است، هم تلاوت است، هم دعا و ذکر است، هم دوری از گناهان است. این مجموعه، انسان را از لحاظ اخلاق و رفتار هم به آن چیزی که مورد نظر اسلام است، نزدیک می‌کند. وقتی این مجموعه کار انجام گرفت، دل انسان از کینه‌ها خالی می‌شود؛ روح ایترا و فداکاری در انسان زنده می‌شود؛ کمک به محرومان و مستمندان برای انسان آسان می‌شود؛ گذشت به نفع دیگران و به زیان خود در امور مادی برای انسان روان می‌شود. لذا می‌بینید در ماه رمضان جرم و جنایت کم می‌شود، کار خیر زیاد می‌شود، محبّت بین افراد جامعه بیش از اوقات دیگر می‌شود؛ که اینها به برکت همین ضیافت الهی است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران – ۱۳۸۶/۶/۲۳

حضرت امام خمینی(ره) که امر انسان‌سازی را بزرگ‌ترین وظیفه و مأموریت خود می‌دید، در جایگاه معلم اخلاق و کسی که همه عمر را به تهذیب نفس پرداخته است، فرصت‌هایی نظیر ماه مبارک رمضان را هم در جهت خودسازی و هم برای اصلاح حال دیگران مغتنم شمرده و در کنار سفارش‌های ارزنده‌ای که به شدت بایدبند بدان بود و پیش و بسیار بیش از دیگران خود بدان عمل می‌کرد، اندازها و هشدارهایش بیدارگر بود و انسان‌ساز و رفتارش بهترین الگو را به نمایش می‌گذاشت و این چنین بود که سخنش بر دل و جان می‌نشست و به صراط مستقیم‌بندگی رهنمون می‌ساخت، پس بجا است که شمه‌ای از حالات و گفتار ایشان در این‌باره آورده شود.

یکی از اعضای دفتر حضرت امام، چنین نقل می‌کند: «امام دگرگونی خاصی متناسب با این ماه مبارک (رمضان) در زندگی خود ایجاد می‌کردند، به‌گونه‌ای که این ماه را سراسر به تلاوت قرآن مجید، دعا و انجام مستحبات مربوط به ماه رمضان سپری می‌کردند.»

در ایامی که نجف بودند چشمشان ناراحت بود، پزشک پس از معاینه به ایشان گفت: شما چند روز استراحت داشته باشید و قرآن نخوانید! امام با لبخندی خطاب به دکتر فرمودند: من چشمم را برای قرآن خواندن می‌خواهم. چه فایده‌ای دارد که چشم داشته باشم و قرآن نخوانم.



یکی از اعضای دفتر حضرت امام، چنین نقل می‌کند: «امام دگرگونی خاصی متناسب با این ماه مبارک (رمضان) در زندگی خود ایجاد می‌کردند، به‌گونه‌ای که این ماه را سراسر به تلاوت قرآن مجید، دعا و انجام مستحبات مربوط به ماه رمضان سپری می‌کردند.»(حجّةالاسلام آشتیانی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج۳، ص: ۹۰) و بر این اساس:

«سر این معنا که امام ملاقات‌های خودشان را در ماه مبارک رمضان تعطیل می‌کردند، این بود که بیشتر به دعا و قرآن و خلاصه به خودشان برسند.»(مرحوم آیت‌الله توسلی، همان، ص: ۸۹) و از آنجا که به باور عمیق ایشان: «ضیافت خدا در ماه رمضان یک شمه‌باش روزه است، .. و یک امر مهمش که مانده غیبی و آسمانی است قرآن است، شما دعوت شده اید به میهمانی خدا و شما در ماه رمضان مهمان خدا هستید. مهماندار شما، شما را وادار کرده است به اینکه روزه بگیرید. این راه‌هایی که به دنیا باز است و شهوات است، اینها را سدش کنید تا مهیا بشوید برای لیلۀالقدر» (صحیفه امام، ج۱۳، ص: ۳۰ و ۳۱)

ورود به ضیافت الهی، روزه ماه رمضان با رعایت جوانب و الزامات آن، بهره‌گیری از مانده آسمانی قرآن، بستن راهمای شهوات وترک خواش‌های نفسانی و مهیا شدن برای فرصت لیلۀالقدر که شب نزول قرآن است و قدر و منزلت آن از هزار ماه بیشتر است و سنت‌های الهی در آن احیا و سرنوشت انسان‌ها در آن تعیین می‌شود و طبیعی است که او این همه فرصت را قدر می‌داند و غنیمت می‌شمارد.

نقل می‌شود که: «روزهای بلند و گرم فوق طاقت نجف را روزه می‌گرفتند. .. و به گفته کارگر منزل از سینی غذای سحری گوئی چیزی خورده نمی‌شد، شاید فقط یک نصفه کنتل مثلا می‌خوردند.» (صدیقه مصطفوی – دختر امام- برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج۳، ۸۹) و این بستن دهان به روی خورد و خوراک و تمنعات این چنینی، در وقت افطار هم خود را نشان می‌دهد که در آن هوا و روزه‌های طولانی و آن سسن و سال و داشتن ضعف بدنی و آن خورد و خوراک، تا نماز مغرب و عشا را با نوافل بجا نمی‌آوردند، افطار نمی‌کردند. یکی از باران امام در نجف نقل

معارف

Maaref@Kayhan.ir

ج۴/ ص۲۲۹، خاطرات آقای سروش محلاتی؛ و ج۶/ص۷، خاطرات شهید محلاتی؛ و سلسله موی دوست/ص۱۰۷، خاطرات آقای رسولی محلاتی.

تربیت دینی فرزندان

امام به‌ترتیب فرزندان و حتی نونادان و تقید آنها نسبت به رعایت آداب شرع و تکالیف دینی توجه خاصی داشتند. آنان را قبل از سن بلوغ، برای تشرّف به سن عبادت و نماز و روزه آماده می‌کردند، اما هیچ‌گاه سختگیری نمی‌کردند تا

یکی از اعضای دفتر حضرت امام، چنین نقل می‌کند: «امام دگرگونی خاصی متناسب با این ماه مبارک (رمضان) در زندگی خود ایجاد می‌کردند، به‌گونه‌ای که این ماه را سراسر به تلاوت قرآن مجید، دعا و انجام مستحبات مربوط به ماه رمضان سپری می‌کردند.»

در ایامی که نجف بودند چشمشان ناراحت بود، پزشک پس از معاینه به ایشان گفت: شما چند روز استراحت داشته باشید و قرآن نخوانید! امام با لبخندی خطاب به دکتر فرمودند: من چشمم را برای قرآن خواندن می‌خواهم. چه فایده‌ای دارد که چشم داشته باشم و قرآن نخوانم.

و کِهولت سنن و مصرف دارو برنامه روزه ایشان تغییر یافت، اما نوافل و مستحبات و تعقیبات را بیشتر ادامه می‌دادند.

عبادت، تهجد و مناجات

امام که رهرو خستگی‌ناپذیر وادی عشق و فَناسی فی‌الله بود، در طول زندگی، خصوصاً چند دهه آخر عمر مبارکشان کلیه برنامه‌های درسی، علمی، تحقیقی و ملاقات‌های عمومی و خصوصی غیرضروری‌شان را در ماه مبارک تعطیل می‌کردند و در برابر تقاضای ادامه برنامه‌ها و یا در پاسخ به علت تعطیلی آنها، با یادآوری اعمال و عبادات ماه رمضان، می‌فرمود: خود ماه رمضان هم کاری است.(همان/ج۲/ص۱۰۴، خاطرات آقای توسلی). تابستان یکی از سال‌ها (قبل از سال ۱۳۴۱) که مصادف با ماه مبارک رمضان بود و امام به مشهد مسافرت کرده بودند، بارها مشاهده می‌شد که شب‌ها، امام در مسجد گوهرشاد میان جمعیت عبادی خود را روی زمین می‌انداختند و تا سحر به تلاوت قرآن، نماز، دعا و مناجات می‌پرداختند. همان/ج۶/ص۱۰۳، خاطرات آقای واعظ‌زاده خراسانی).

عبادت و اعمال و تهجد شب‌های ماه رمضان امام، با سایر ایام و لیالی تفاوت بسیار داشت ،علاوه بر اینکه بیشتر شب را به تلاوت قرآن، ادعیه ماه رمضان و خصوصاً به قرائت دعای ابوجمزه ثمالی می‌پرداختند، آنابه و تضرع امام به درگاه الهی بیشتر می‌شد. حاج احمد آقا نقل می‌کند که در نجف، ماه رمضان شبی روی پشت‌بام خوابیده بودم که از صدای گریه و مناجات امام بیدار شدم، دیدم امام در تاریکی شب در حال نماز خواندن، دست‌ها را به طرف آسمان بلند کرده و گریه می‌کند. در ماه رمضان سال‌های آخر عمر شریفشان نیز پرستاران و مراقبان امام، از صدای گریه نیمه شبِ ایشان از خواب بیدار می‌شدند.(همان/ج۳/ص۱۵۱، خاطرات آقای ناصری؛ و ص۱۲۹، خاطرات آقای میرزایی).

یکی از محافظان امام می‌گوید: در یکی از شب‌های ماه رمضان نیمه‌شب برای انجام کاری مجبور شدم که از کنار اتاق امام عبور کنم. هنگام عبور صدای مناجات و گریه امام را شنیدم که در فضای اتاق پیچیده بود و مرا شدیداً تحت تأثیر قرار داد.(جلوای از خورشیداص ۹۰).

خاتم حاج احمد آقا نقل می‌کند که ماه رمضان قبل از رحلت ملکوتی‌شان، هنگامی که سحرگاهان برای اقتدای نماز صبح خدمشان می‌رسیدم، چهره مبارکشان را برافروخته می‌دیدم،

امام دناما باقرآن مأنوس بودندومطالعه اصلی‌شان تلاوت قرآن بودوشبانه روز هفت نوبت قرآن تلاوت می‌کردند و این سنت حسنه تا آخر حیات طیبه‌شان استمرار داشت. در ماه مبارک ک رمضان، خصوصاً در ایامی که نجف بودند هر روز ده جزء قرآن تلاوت می‌کردند و در هر سه روز یک دوره قرآن ختم می‌کردند. در اواخر عمر شریفشان در ماه مبارک رمضان سه بار قرآن را ختم می‌کردند.

چشم‌انشان سرخ بود، چنان‌اشک ریخته بودند که دستمال برایشان کافی نبود، حوله کنار دستشان می‌گذاشتند.(پایه‌پای آفتاب/ج۱/ص ۲۸۵ و ۲۶۱، خاطرات خاتم فاطمه طباطبائی).

رهبر معظم انقلاب معتقدند که سیر و سلوک معنوی و عرفانی و انقطاع الی‌الله امام در ماه مبارک رمضان هر سال در تکامل شخصیت عرفانی و نفوذ معنوی رهبری ایشان محسوس بود و این اوج ملکوتی و عرفانی امام که دستاورد تهجد و مناجات شبانه ماه رمضان‌ها بود در موفقیت‌های گوناگون انقلاب تأثیر داشت.

ایشان می‌فرمایند: «شما خیال نکنید که امام سال ۶۸ که به جوار الهی رفت، همان امام سال ۵۷ بود که وارد ایران شد. نخیر، امام خیلی جلو رفته بود، خیلی پیشرفت کرده بود، خیلی بالا رفته بود. درست است که منازل امثال آن بزرگوار را نمی‌توانیم بفهمیم، اما از همین پایین که انسان نگاه می‌کند اوج آن باز بلندپرواز را می‌بیند.

خدا شاهد است که بعد از هر ماه رمضان، گاهی که خدمت امام می‌رسیدم برایم محسوس بود که در این ماه رمضان، امام نسبت به گذشته بالاتر رفته، پرواز کرده و از «جهان» ماده دورتر شده است.(حدیث ولایت/ج۱/ص ۲۴۹).

در هر ماه رمضان، ایشان معمولاً هیچ ملاقاتی نداشتند و بیشتر به خودشان می‌پرداخت. بعد از ماه رمضان که انسان با ایشان ملاقات می‌کرد، محسوس بود که نورانی‌تر و معنوی‌تر شده‌اند. یقیناً بسیاری از موفقیت‌های انقلاب و این ملت، ناشی از همان کانون جوشان منور بود.»(همان/ج۱/صص ۳۲۷ و ۳۲۸).

در پایان کلام را با امید بهره‌گیری بیشتر، با فرازی از کتاب ارزشمند جهاد اکبر به پایان می‌بریم: «ببین انسان مانند آینه صاف و روشن است، و بر اثر توجه فوق‌العاده به دنیا و کثرت معاصی کدر می‌شود؛ ولی اگر انسان لاقل صوم را برای حق تعالی خالص و بی‌ریا انجام دهد (نمی‌گویم عبادات دیگر خالص نباشد، همه عبادات لازم است خالص و بی‌ریا انجام گیرد)، این عبادت را غیرخداستدست در این یک ماه به‌خوبی انجام دهد، شاید تقض‌ل الهی شامل حال او شده آینه قلبش از سیاهی و کدورت زدوده گردد و امید است که او را از عالم طبیعت و لذات دنیوی منحرف و منصرف سازد؛ و آنگاه که می‌خواهد وارد «شب قدر» شود، نورانیت‌هایی که در آن شب برای اولیا و مؤمنین حاصل می‌شود به دست آورد. و جزای چنین روزهای خداست؛ چنانکه فرموده است:(نهج‌البلاغه – حکمت ۱۸) و انسا اجزی به، چیز دیگر نمی‌تواند پاداش چنین روزهای باشد. جنات نعیم در مقابل روزه او بی‌ارزش بوده نمی‌تواند پاداش آن به‌حساب آید. ولی اگر بنا باشد عصر به‌جای می‌آوردند که برای دهان آن را مطعومات ببندد و به غیبت مردم باز کند و شب‌بهای ماه مبارک رمضان، که مجالس شب‌نیشینی گرم و دایر بوده وقت و فرصت بیشتری است، با غیبت، تهمت و اهانت به مسلمانان به سحر انجامد، چیزی عاید او نمی‌شود و اثری بر آن مترتب نمی‌گردد.» (جهاد اکبر، ص ۴۳ و ۴۴)

صفحه ۶

پنج‌شنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰

۱۶ رمضان ۱۴۴۲ – شماره ۳۲۷۲۵



۱- نهج‌البلاغه - حکمت ۱۵۰

حکایت خوبان



۱- بخاراانوار، ج ۳، ص ۲۰۶

پرسش و پاسخ

پرسش و پاسخ در آموزه‌های علوی(۱)

۱- اتمام حجت با پیشوایان کفر

✽ سدید روایت کرده که امام جعفر صادق(ع) فرمود: جمعی از اهالی بصره نزد من آمده و از طلحه و زبیر سؤال نمودند. به آنها گفتیم: طلحه و زبیر دو پیشوای کفر بودند، زیرا روزی که امیرالمومنین(ع) در جنگ جمل و در برابر لشکر کفر مردم بصره صف‌آرایی نموده بودند، به اصحاب و یاران خود فرمود: «جهد را با این قوم عجله و شتاب ننمایید تا من با آنها اتمام حجت کنم و در پیشگاه خداوند میان ما و آنها عذری نباشد» آنگاه حضرت در برابر مردم بصره آمد و فرمود: ای مردم بصره! آیا من در حکمی، جور و ستم کرده‌ام؟ گفتند: خیر. امام فرمود: آیا بر خلاف قسم و سوگند (خود) رفتاری کرده‌ام؟ عرض کردند: خیر باز پرسیدند: آیا مرا مایل به دنیا می‌دانید؟ گفتند: نه فرمودند: آیا برای خود و اهل بیت خویش چیزی را ترجیح و اختصاص داده‌ام که شما از آن محروم مانده‌اید؟ پاسخ منفی دادند. فرمود: آیا حدود الهی را در بعضی معطل گذاشته یا در موردی انجام نداده‌ام؟ عرض کردند: خیر فرمود: پس چرا بیعت مرا شکستید و به دیگران پیوسته‌اید؟ سپس امام فرمود: پس شما مردمی کافر هستید و برطبق صریح قرآن که می‌فرماید: وان نکثوا اینمانهم من بعد عهدهم (توبه- ۱۲) با شما جهاد و کارزار خواهیم کرد. آنگاه امام علی(ع) به یاران خود فرمان جهاد (حمله) داد و فرمود: به آن خدایی که محمد(ص) را به راستی و به حق معیوت فرمود، اهل بصره مصداق حقیقی این آیه می‌باشند و از زمانی که این آیه نازل شده تا امروز به مضمون این آیه جهادی عمل نشده بود که اینک شما به جهاد می‌پردازید. (تفسیر عاشقی، ج ۲، ص ۷۷)

۲- پس از مانده بودم!

✽ تپس از آنکه مردم بعد از مرگ عثمان با امام علی(ع) بیعت کردند،حضرت در مسجد بر منبر بودند که شخصی از میان جمعیت صدا زد: چرا در گرفتن حق خرافت مسامحه کردی؟ مآلای ابطاً یک الی الان؟ حضرت در پاسخ این فرد خطبه‌ای ایراد فرمودند که به خطبه شش‌شقیه معروف شده است. آنگاه امام در بین کلام خود فرمود: اگر نبود جمعیت بسیاری که مرا دگر کرد و نگرفتند و به یاریم قیام کرده بودند (حکومت بر شما را نمی‌پذیرفتم و ریسمان خلافت را رها می‌کردم) ولی از این جهت حجت تمام شده است... (نهج‌البلاغه - خطبه ۳)

۳- موعظه خشتی و ترک فعل حق

✽ در تاریخ آمده است که عده‌ای از اصحاب امیرالمؤمنین(ع) از آن حضرت کناره‌گیری کردند و از طرفی به معاویه هم نپیوستند. اصحاب، نظر امام را درباره آنان جویا شدند؟ امام علی(ع) در پاسخ فرمود: «خذلوا الحق و لم ينصروا الباطل» آنان به باطل کمک نکردند ولی حق را نیز خوار گذاشتند. این سخن را حضرت علی(ع) درباره افرادی مانند: عبدالله ابن عمر، سعد ابن ابی وقاص، سعید ابن عمرو، اسامه ابن زید،محمد ابن مسلمه،انس ابن مالک، ابوموسی اشعری و اخنف ابن قیس که از همراهی آن حضرت در جنگ با دشمنان خودداری کردند،فرموده است.(نهج‌البلاغه – حکمت ۱۸)

۴- فحش نهدید، عملکردها را به چالش بکشید!

✽ روزی امام علی(ع) شنید حبراین عدی و عمرو ابن حمق دو نفر از یارانش، به معاویه ناسزا می‌گویند. امام آنها را نهی کرد. آنها به حضور امام آمده و عرض کردند: آیا ما بر حق نیستیم؟ آیا پیروان معاویه به طریق باطل شنیدند؟ امام در پاسخ فرمود: ما بر حقیم و آنها بر باطل. آنها سؤال کردند: پس چرا ناسزا نگوییم؟ امام فرمود: من دوست ندارم شما فحش بدهید ولی اگر کارهای بد دشمن را افشا کنید استوارتر در گفتار و رساتر در عذر است... حجر و عمرو هر دو عرض کردند: بسیار خوب به نصیحت تو گوش می‌کنیم و آن را بکار می‌بندیم (شرح نهج‌البلاغه ج ۳، ص ۱۲، ص ۹۴)



سلوک عارفانه

سیاست‌ورزی با مکر و حيله ممنوع!

(بدان ای سالك راه خدا!) از «اصب ابن ناته» نقل شده است كه اميرمومنان(ع) در خطبه‌ای بالای منبر فرمود: مردم! اگر ناخرسندنی و اجتناب من از مكر و حيله (و تقوايِم مانع) بودند، من از سياستمدارترين (زنگ‌زترين) مردم بودم. اما توجه داشته باشيد كه هر حيله‌ای با فجور همراه است و هر فجوری با گمراهی و تاریکی است و حيله‌گر و فاجر و خائن جایگاهشان آتش جهنم است.^(۱)

صفحه معارف روز‌های: شنبه ،یک‌شنبه **سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود**
تلفن‌های مستقیم: ۰۲۲۲۲۱-۳۳۹۴۱۹۹۱
Maaref@kayhan.ir